

شهلا خطیبی

کارشناس ارشد علوم تربیتی (برنامه‌ریزی درسی)

شکست تحصیلی بارزترین عارضه دوستی و ارتباط دختران و پسران

مقدمه:

شیوع دوستی‌ها و تعلقات خاطر خارج از چهارچوب اخلاق، و بیرون از مدار آگاهی والدین در بین نوجوانان، به علت سرانجامی ناخوشایند، حرمت شکن، فرساینده و تأسف بار، نگرانی‌هایی را برای خانواده‌ها و جامعه‌ی رو به توسعه‌ی ما به ارمغان آورده و نیز موجبات استرس، تنیدگی، سردرگمی و ناتوانی در بهره‌گیری از فرصت‌های سرنوشت ساز زندگی (به خصوص کسب تجارب موفق تحصیلی) را برای نوجوانان (دختر و پسر)، فراهم کرده است. با وجود این، مشاهدات و مصاحبه‌های حضوری و مکاتبات دانش‌آموزان با واحدهای مشاوره‌ای مدارس، حاکی از این مطلب است که گرایش و دل‌بستگی‌های عاطفی به جنس مختلف (مخالف) برای نوجوانان، در بین همسالانشان یک ارزش و هنجار اجتماعی تلقی می‌گردد. به طوری که در



میزان درک دانش‌آموزان از موضوعات درسی تا حد زیادی به آموخته‌های قبلی ایشان بستگی دارد. ادراک، زمانی محقق می‌شود که محرک برای دانش‌آموزان معنا پیدا کند. این معناداری به دنبال تعامل اطلاعات جدید با اطلاعات قبلی دانش‌آموزان حاصل می‌شود. (نوروزی و همکاران، ۱۳۷۴، به نقل از آزوبل^۳، ۱۹۶۰)

بنابراین هر قدر محتوای ساخت‌های شناختی افراد غنی‌تر باشد، یعنی دانسته‌های قبلی ایشان بیش‌تر و سازمان‌یافته‌تر باشد، تعامل مذکور به نحو مطلوب‌تری انجام می‌پذیرد و معناداری با کیفیت بالایی ممکن می‌گردد. پس دانش و اطلاعات جدید، زمانی خیلی ساده آموخته می‌شود که با ساختارهای با ثبات شناختی که یادگیرنده از پیش در ذهن خود دارد، ارتباط پیدا کند. (جویس^۴، ویل^۵،

مراحل اولیه، آن‌ها تمایلی برای پذیرفتن تبعات آسیب‌زا و عواقب ناپسند اتخاذ چنین تصمیمی و انتخاب رفتار مربوط به آن را از خود نشان نمی‌دهند و فقط با گذشت زمان است که متوجه می‌شوند تا چه حد ساده‌اندیشی کرده و متضرر شده‌اند و چگونه باید با تحمل اضطراب و بار سنگین ندامت و پشیمانی قادر به جبران ماه‌ها و حتی سال‌های حیاتی و گرانقدر از دسته رفته باشند. در این نوشتار به بررسی جوانب مختلف این معضل می‌پردازیم.

عواطف رشد نیافته و تأثیر آن در یادگیری

پیدایی عشق‌های افلاطونی ناشی از عواطف رشد نیافته (نارس)، تجارب محدود و شناخت‌های سطحی که از آن به عنوان «عشق پاک» تعبیر می‌کنند، چنان ابتکار عمل و

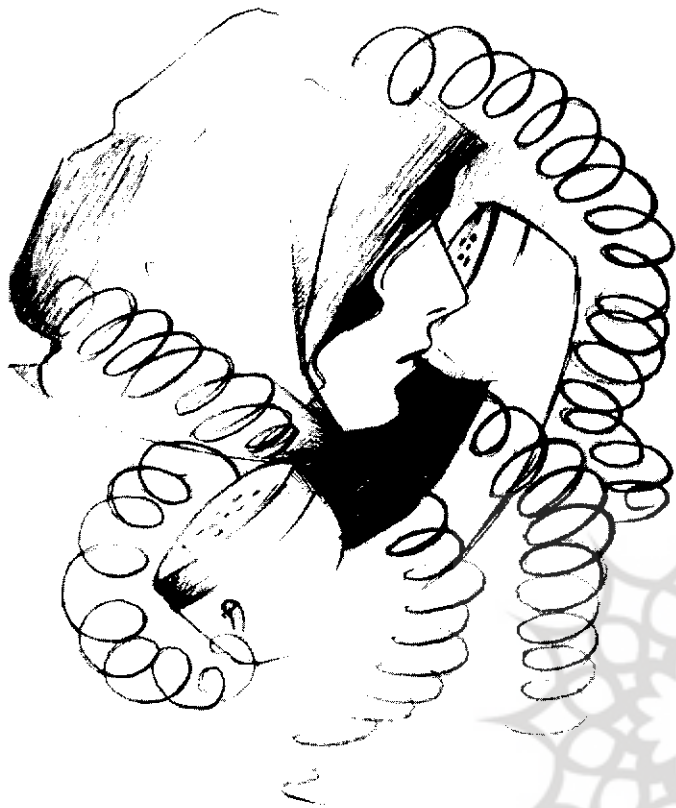
پیدایی عشق‌های افلاطونی ناشی از عواطف رشد نیافته (نارس)، تجارب محدود و شناخت‌های سطحی که از آن به عنوان «عشق پاک» تعبیر می‌کنند، چنان ابتکار عمل و قدرت تفکر دختران و پسران را متأثر می‌سازد که از حضور و درگیری فعالانه در فرایند یادگیری محروم می‌مانند؛ به طوری که این محرومیت، آمادگی آن‌ها را برای یادگیری‌های جدید کاهش می‌دهد.



کالهن^۶، ۱۳۸۲) خلاصه این که یادگیری بدون ادراک، محقق نمی‌شود. هیچ درکی به وجود نمی‌آید، مگر این که اطلاعات دریافته معنا پیدا کند و در این زمینه دانش و آموخته‌های قبلی فرد، کلمه‌ی کلیدی معناداری است و پایه‌ی یادگیری‌های جدید او را تشکیل می‌دهد. (گلاور و برونینگ، ۱۳۸۰) با توجه به ماهیت و مکانیسم یادگیری، هر فراگیری می‌بایست به طور مستمر در جهت هر چه غنی‌تر ساختن دانش پایه‌ی خود در مورد تمامی دروس و تحقق یادگیری‌های معنادار تلاش کند و مسلم است که این امر تنها با داشتن هدفمندی بالا، شفاف و نیز فکری فعال و تمرکزی قابل توجه ممکن می‌شود. در این مسیر به نظر می‌رسد یکی از عوامل مختل‌کننده‌ی تمرکز حواس دانش‌آموزان نوجوان،

قدرت تفکر دختران و پسران را متأثر می‌سازد که از حضور و درگیری فعالانه در فرایند یادگیری محروم می‌مانند؛ به طوری که این محرومیت، آمادگی آن‌ها را برای یادگیری‌های جدید کاهش می‌دهد.

براساس دیدگاه‌های روان‌شناختی، حافظه‌ی دراز مدت، مخزن دائمی اطلاعات است که انباشته از طرحواره‌ها و ساخت‌های شناختی در ارتباط با انواع دانش بشری است. محتوای این ساخت‌های شناختی را دانسته‌های قبلی و دانش پایه‌ای افراد تشکیل می‌دهد که به طور رسمی از سال‌های اولیه‌ی یادگیری‌های آموزشگاهی، شکل گرفته‌اند. محتوا و سازمان طرحواره‌ها، هم در میان افراد مختلف، هم برای یک نفر در طول زمان تغییر می‌کند. (گلاور^۱ و برونینگ^۲، ۱۳۸۰)



گرایش‌های عاطفی آن‌ها به جنس مخالف باشد. پس شایسته و بایسته است که هر نوجوانی به‌طور عاقلانه و منطقی در مورد تبعات آسیب‌زای وابستگی‌های عاطفی و تعلقات خاطر به غیر هم جنس، در این سال‌های حساس و سرنوشت‌ساز زندگی خود، تعمق و تأمل کند و ساده‌اندیشانه فرصت‌های طلایی و حیاتی این دوره‌ی فعال و سرشار از انرژی را هدر ندهد، زیرا جبران آن بسیار مشکل و گاه امکان‌ناپذیر است. تجربه نشان داده است که درگیر شدن نوجوان در این مسئله و دامن زدن او به این عواطف و احساسات فلج‌کننده، تمام جوانب زندگی وی را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد، انرژی زیادی را از او می‌گیرد و افکار و توانمندی‌هایش را چنان متأثر می‌سازد که او دیگر قادر نیست به تحلیل و پردازش مسائلی بپردازد که از اولویت و اهمیت بالاتری برخوردارند. یعنی به جرئت می‌توان گفت که در چنین مواقعی نوجوان به گونه‌ای دچار رکود ذهنی می‌شود که حتی به دنبال ۵ تا ۱۰ دقیقه مکالمه‌ی تلفنی یا حضوری با جنس مخالف، بقیه‌ی ساعات ارزشمند روزانه‌ی خود را برای پردازش و مرور و تکرار جملات و کلماتی که در آن مدت کوتاه ادا شده است اختصاص می‌دهد و این همان قفل شدن ذهن و تمرکز افکار و حواس بر موضوع خاصی است که مقطعی و زودگذر است و بر پایه‌های عقلی و اخلاقی استوار نیست.

عدم توانایی نوجوان در پرداختن به مسائل اساسی و حیاتی، برای کسب تجارب موفق تحصیلی، اجتماعی و... قدرت عمل وی را در رقم زدن آینده‌ی تحصیلی - شغلی درخشان و درخور شایستگی‌ها و توانمندی‌های ذاتی‌اش محدود می‌کند.

بنابراین به دنبال چند دوره (ترم تحصیلی) درگیری در این مسائل، محتوا و سازمان‌یافتگی ساخت‌های شناختی نوجوان در ارتباط با انواع موضوعات درسی تحلیل می‌رود و وی آمادگی لازم برای یادگیری مطالب جدید را از دست می‌دهد. به طوری که به مرور زمان دچار آفت و شکست تحصیلی شده، از کسب تجربه‌ی موفق در تحصیل عاجز می‌گردد. عدم توانایی او در یادگیری، به علت تلاش و تمرکز ناکافی، ضعف دانش پایه‌ای، عدم بهره‌مندی او از تقویت‌های کلامی و رفتاری معلم و مدرسه و سرزنش و تحقیر والدین و...، پارامترهای اعتماد به نفس و عزت نفس

وی را خدشه‌دار می‌سازد و ممکن است این‌ها سبب شوند که او به سطوح پایینی از رشد اخلاقی و تحصیلی رضایت دهد. زیرا در این شرایط او دیگر تصویر شایسته‌ای نسبت به خود در ذهن ندارد و این زنگ خطری است برای خانواده‌ها و جامعه‌ی روبه‌توسعه‌ی ما که سرمایه‌های آن، یعنی نوجوانانی که انتظار می‌رود فکر و عملشان در این دنیای متحول و متغیر، آینده‌ساز این مرز و بوم باشد و به مدارج عالی علمی و اخلاقی دست یابند، این چنین زایل گردند.

پژوهش‌های انجام شده در این زمینه

- نتایج تحقیقات و مطالعات (ماسن^۷ و همکاران، ۱۳۸۰؛ کرچتکف و لاپیک، ۱۳۷۳؛ قائمی، ۱۳۸۱؛ کریمی‌نیا، ۱۳۸۰؛ سلطانی فتوت، ۱۳۷۹؛ عصاره، ۱۳۷۸؛ شرفی، ۱۳۷۴؛ احمدی، ۱۳۷۲) نشان دهنده‌ی این مسئله است که دامنه‌ی

تأثیرپذیری و آسیب‌پذیری روابط غیر اخلاقی و کوچک و خیابانی برای نسل نوجوان (به خصوص دختران)، بسیار گسترده است. یعنی این گونه روابط، بیش‌تر از پسران، پایه‌های زندگی روانی، خانوادگی و تحصیلی دختران را متزلزل می‌کند.

• نتایج تحقیق کوثری (۱۳۷۴) با عنوان «بررسی علل رابطه با جنس مختلف (مخالف) در دانش‌آموزان دختر دوره‌ی راهنمایی»، نشان داده است که موفقیت تحصیلی دانش‌آموزانی که با جنس مخالف خود رابطه دارند کم‌تر از سایر دانش‌آموزان است.

• حسن‌پور و دلاویز (۱۳۷۳) نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی علل تشدید گرایش و برقراری رابطه با غیرهمجنس از دیدگاه دانش‌آموزان سال‌های سوم و چهارم متوسطه» به این نتایج دست یافته‌اند: الف) حدود ۰/۰۴۵ پاسخ‌دهندگان دارای رابطه با غیر همجنس بوده‌اند. ب) مهم‌ترین عوامل تشدید گرایش و ایجاد رابطه با غیر همجنس عبارت‌اند از: عدم پایبندی جوانان به مسائل اعتقادی، تماشای برنامه‌های تلویزیونی خارجی و فیلم‌های ویدیویی، کمبود توجه و عدم محبت توسط خانواده، پوشش تحریک‌کننده‌ی افراد جنس مخالف. ج) مکالمه‌ی تلفنی و نامه‌نگاری، متداول‌ترین روش، و مسی‌رخانه و مدرسه و کوچک و خیابان متداول‌ترین محل برقراری ارتباط با غیرهمجنس است. د) بیش‌تر دانش‌آموزان از افشا شدن روابطشان با جنس مخالف، به دلیل تنبیه خانواده و احتمال از دست دادن شانس ازدواج مناسب، نگران‌اند.

• هم‌چنین یافته‌های پژوهش انجام شده توسط نگارنده (۱۳۸۳) با عنوان «بررسی تأثیرگرایش‌های عاطفی به جنس مخالف بر شکست تحصیلی دانش‌آموزان پایه‌ی اول دبیرستان‌های دخترانه‌ی ناحیه‌ی ۲ شهر سمنان» حاکی از این است که بین میانگین نمرات (معدل چهار درس) ۳۰ زوج در دو گروه آزمودنی ($X_1 =$ گروهی که تحت تأثیر گرایش‌های عاطفی به جنس مخالف قرار نگرفته‌اند و $X_2 =$ گروهی که بعد از امتحانات خرداد ماه پایه‌ی سوم راهنمایی تحت تأثیر این متغیر قرار گرفته‌اند) هم‌تراز از نظر هوشبهر و کنترل شده



در ارتباط با سایر متغیرهای اثر گذار بر متغیر وابسته، که براساس روش آماری T-TEST (البته T همبسته) محاسبه گردیده است، به لحاظ آماری تفاوت معناداری وجود دارد. شایسته‌ی ذکر است که بین دو گروه نمونه‌ی فوق قبل از تأثیر متغیر مستقل (پایه‌ی سوم دوره‌ی راهنمایی)، تفاوت معناداری وجود نداشت. لکن بعد از تأثیر متغیر مستقل (پایه‌ی اول دوره‌ی دبیرستان)، بین میانگین گروه‌های آزمودنی، تفاوت به وجود آمده است که نشان دهنده‌ی «تأثیر گرایش‌های عاطفی به جنس مخالف» بر شکست تحصیلی دانش‌آموزان، و تأیید فرضیه‌ی تحقیق است.

آسیب‌های ارزشی و اخلاقی و پیشرفت تحصیلی

طرح آسیب‌های ارزشی و اخلاقی به عنوان یکی از پارامترهای اثرگذار در روند پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، به خصوص در آستانه‌ی دوره‌ی جوانی، مقوله‌ی ارزشمندی است که به علت بعضی از خطوط قرمز، تاکنون به طور شایسته مورد بحث و تحلیل قرار نگرفته است. زیرا پذیرفتن وجود روابط پنهانی و آشکار بین دختران و پسران قبل از سنین ازدواج از طرف اولیا و مربیان و همه‌ی دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت امری دشوار است. امید است یافته‌های پژوهش‌های انجام شده درباره‌ی این معضل، انگیزه‌ای باشد برای آگاه‌سازی خانواده‌ها، دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و دولت مردان، برای مرتفع کردن مشکل و هم‌چنین هدایت و حمایت نسل نوجوان، که خود، به وضوح آسیب‌روانی، عاطفی، اجتماعی، تحصیلی و... ناشی از این موضوع را از نزدیک لمس می‌کنند.

قبل از پرداختن به راهبردها و پیش‌نهادهایی برای اتخاذ تدابیر مناسب به منظور مقابله‌ی صحیح با این واقعیت اجتماعی، از طریق نهادهای تربیتی، رسانه‌های جمعی، والدین، مشاوران مدارس و... به نظر می‌رسد رعایت موارد ذیل نیز موجبات کاهش شکست تحصیلی دانش‌آموزان را فراهم کند.

۱- آشنایی دانش‌آموزان با فرایندهای شناختی از جمله با ماهیت و چگونگی یادگیری.

۲- پرورش فراشناخت دانش‌آموزان برای کسب مهارت در کارکرد یادداشت‌برداری و تلخیص مطالب و کارکرد تهیه‌ی سؤال.

۳- پرورش فراحافظه برای به کارگیری روش‌های عملی فراحافظه، از جمله استفاده از انواع یادیارها.

۴- تشویق و حمایت دبیران در زمینه‌ی به کارگیری روش‌های جدید و اثربخش در تدریس.

۵- سازمان دهی مطالعه‌ی شخصی به منظور بهبود حافظه و به کارگیری شیوه‌های مؤثر مطالعه، از جمله روش PQ4R.

۶- تشویق دانش‌آموزان برای به کارگیری فنون و شگردهای مؤثر مطالعه.

۷- شناساندن عوامل آسیب‌زای مطالعه به دانش‌آموزان.

۸- پرورش مهارت دانش‌آموزان در تنظیم برنامه‌ای شخصی برای مطالعه.

۹- آشنا کردن دانش‌آموزان با فنون امتحان دادن.

۱۰- تشویق دانش‌آموزان به کسب تجارب موفق





جلب اعتماد دانش‌آموزان، توسط مشاوران مدارس و رازداری و همدلی و عذر پذیری بزرگوارانه، به منظور فراهم کردن فرصت‌هایی برای جبران اشتباهات گذشته و وسعت بخشیدن به دامنه‌ی مراجعات دانش‌آموزان به اتاق مشاوره، می‌بایست همواره مد نظر مشاوران و مربیان مراکز آموزشی قرار گیرد.



۲- از آن جاکه تغییرات بلوغ برای نوجوانان مبهم و مرموز است و هر گونه برداشت غلط یا اطلاع‌رسانی ناقص و نادرست برای آنان زیان‌بار خواهد بود، دادن آگاهی و شناخت و اطلاعات برگرفته از مبانی علمی برای ممانعت از توسل نوجوانان به منابع غیرموثق و انحرافی امری ضروری و لازمی‌رشد سالم شخصیت آنان است.

۳- وظیفه‌ی مسلم اولیا و مربیان است که مهارت به تعویق انداختن ارضای نیازها (چشم‌پوشی از لذایذ آنی)، به منظور رسیدن به موقعیتی مناسب برای بهره‌وری کامل‌تر در آینده را به نوجوانی که از نظر تجربه محدود و از نظر عاطفی نارس است، بیاموزند.

۴- لازم است اولیا، مهارت امتناع (مهارت نه گفتن)، یعنی ردِ محترمانه‌ی پیش‌نهاد یک دوستی و دعوت را به نوجوانان خود بیاموزند.

۵- شایسته است که اولیای بزرگوار با شناخت و تأمین نیازهای عاطفی نوجوانان، خود را به دنیای آن‌ها نزدیک کنند.

۶- بزرگ‌منشی و گذشت توأم با شناخت دهی از جانب والدین، فرصت مناسبی برای بازنگری نوجوانان در رفتارهای ناسنجیده و جبران اشتباهات گذشته است.

۷- کنترل غیرمستقیم و سازنده بر رفت و آمدها و مکالمات تلفنی خارج از چهارچوب اخلاقی نوجوانان، امری ضروری است.

پیش‌نهادهایی به مشاوران مدارس

۱- تقویت بضاعت علمی و مهارت‌های کلامی برای تأثیرگذاری بر تشکیل رفتارهای مطلوب در دانش‌آموزان، لازمی‌امر راهنمایی و مشاوره است.

تحصیلی، برای تکرار این رفتار و بالا رفتن اعتماد به نفس و عزت نفس در آن‌ها. (این عمل منجر به تشکیل تصویر شایسته‌ای در ذهن دانش‌آموز از خود می‌شود).

۱۱- آموزش چشم‌پوشی از لذایذ آنی؛ یعنی به تعویق انداختن ارضای نیازها، برای رسیدن به موقعیتی مناسب برای بهره‌وری کامل‌تر در آینده به دانش‌آموزان. (به طور مثال چشم‌پوشی از تماشای یک فیلم یا شرکت در یک میهمانی به خاطر مطالعه و یادگیری معنادار و مؤثر).

۱۲- دادن اطلاعات و آگاهی به دانش‌آموزان در ارتباط با تبعات آسیب‌زای گرایش‌های عاطفی و تعلقات خاطر به جنس مخالف. (آگاه ساختن دانش‌آموزان، یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار بر روند یادگیری و پیشرفت تحصیلی نوجوانان است).

۱۳- بررسی پارامتر اضطراب عمومی، و به تبع آن اضطراب امتحان در دانش‌آموزان. (زیرا داشتن افکار و تصورات اضطرابی یا احساسات و واکنش‌های اضطرابی، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد).

پیش‌نهادهایی به والدین به منظور پیش‌گیری از بروز پیامدهای ناگوار در زندگی نوجوان

۱- با توجه به نتایج تحقیقات و مطالعات انجام شده، چون وابستگی‌های عاطفی به جنس مخالف و برقراری رابطه‌ی پنهانی با آن‌ها، تمرکز و بهره‌گیری بهینه از وقت و انرژی و دقت و توجه دانش‌آموز را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و موجبات شکست تحصیلی وی را فراهم می‌سازد، لازم است والدین، در این مسیر نهایت عنایت و نظارت سازنده را داشته باشند.

۲- شایسته است مشاوران مدارس، توجه به کارآمدی و توانمندی در تشخیص و شناسایی دانش‌آموزان و برقراری ارتباط عاطفی با آن‌ها را امری بسیار مهم و اثر بخش در موفقیت شغلی خود تلقی کنند.

۳- تشویق و حمایت مشاوران مدارس به جدیت و دلسوزی، برای شناسایی و هدایت این دانش‌آموزان اثر بخش خواهد بود.

۴- جلب اعتماد دانش‌آموزان، توسط مشاوران مدارس و رازداری و همدلی و عذر پذیری بزرگوارانه، به منظور فراهم کردن فرصت‌هایی برای جبران اشتباهات گذشته و وسعت بخشیدن به دامنه‌ی مراجعات دانش‌آموزان به اتاق مشاوره، می‌بایست همواره مد نظر مشاوران و مربیان مراکز آموزشی قرار گیرد.

۵- شایسته و بایسته آن است که دختران نوجوان به ارج‌گذاری بر کرامت و شرافت خود و برخورداری از موضع نظارت درونی، ترغیب و تشویق شوند.

۶- شایسته است دانش‌آموزان مشکل‌دار، برای جبران عقب‌افتادگی‌های درسی، با بهره‌گیری از راهنمایی‌های دبیران و مشاور مدرسه، به منظور کسب تجارب موفق تحصیلی و بالا رفتن اعتماد به نفس و عزت نفس خود، تشویق و هدایت شوند.

۷- هدایت نوجوانان به برداشت درست از نتایج تحقیقات و مطالعات مرتبط با این موضوع، می‌تواند هدفمندی آن‌ها را برای غنیمت شمردن فرصت‌های طلایی زندگی و تضمین آینده‌ی تحصیلی - شغلی درخشان به ارمغان آورد.

پیش‌نهادهایی به کارگزاران، برنامه‌ریزان، نهادهای تربیتی و رسانه‌های جمعی

۱- در وضعیت کنونی، ضرورت و لزوم تحکیم بنیان اعتقادی و اخلاقی خانواده‌ها و نوجوانان از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی احساس می‌گردد.

۲- برنامه‌های رسانه‌های برون مرزی و فیلم‌های نامناسب ویدیویی، جزء قوی‌ترین عوامل مؤثر در گرایش و ارتباط دختران و پسران بوده است. رسانه‌های داخلی با ارائه‌ی برنامه‌های پرمحتوا، ضمن غنی‌تر ساختن اوقات فراغت نوجوانان و جوانان می‌توانند به تقویت اعتقادات دینی

و ارزش‌های ملی بپردازند. بدیهی است آموزش و پرورش نیز می‌تواند به غنی‌سازی اوقات فراغت دانش‌آموزان بپردازد.

۳- شایسته است از جاذبه‌ی محبت برای جلب دل‌های نوجوانان و به دست گرفتن دست آن‌ها استفاده شود، زیرا جدایی دست ایشان از دامن بزرگ‌ترها، زمینه ساز فجایع و بحران‌هاست.

۴- با توجه به نقش عمده‌ی خانواده در ارائه‌ی الگوهای مناسب تربیتی، پیش‌نهاد می‌گردد که کلاس‌های آموزش خانواده برای اولیا در تمامی سطوح به صورت کاملاً منظم تدوین و برگزار گردد.

۵- آموزش اخلاق جنسی در سطح مدارس راهنمایی و متوسطه با توجه کامل به ارزش‌های اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ضروری به نظر می‌رسد.

۶- به نظر می‌رسد اختصاص مطالعات و تحقیقات ویژه در مسیر تبیین گرایش‌ها و روابط بین پسران و دختران نوجوان در سنین قبل از ازدواج امری ضروری است.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- GLOVER, A.
- 2- BRUNING, H.
- 3- AUSUBEL, D.
- 4- GOYCE, B.
- 5- WEIL, M.
- 6- CALHOUN, E.
- 7- MUSSEN, H.
- 8- PQR4 (PREVIEW, QUESTION, READ, REFLECT, RECITE, AND REVIEW).

منابع:

- جوینس، بروس و همکاران: الگوهای تدریس ۲۰۰۰ (ترجمه‌ی محمدرضا بهرنگی)، نشر کمال تربیت، چاپ سوم، تهران ۱۳۸۲.
- حسن‌پور، جعفر و دلایر، خلیل: بررسی علل تشدید گرایش و برقراری رابطه با غیرهمجنس از دیدگاه دانش‌آموزان، مرکز تحقیقات آموزش و پرورش استان مازندران، ۱۳۷۳.
- دیس، موریس: مراحل تربیت، ترجمه‌ی علی محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۶.
- کوشری، محمد رضا: بررسی علل رابطه با جنس مختلف (مخالف) در دانش‌آموزان دختر دوره‌ی راهنمایی، منطقه‌ی ۱۸ آموزش پرورش تهران (پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد)، ۱۳۷۴.
- گلور، جان. ای و راجر. اچ، برنینگ: روان‌شناسی تربیتی و اصول کاربرد آن، ترجمه‌ی علی نقی خرازی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۸.
- نوروزی، داریوش و همکاران: روش‌ها و فنون تدریس، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۵.